

تخصص در این فن نبوده است. اما کتاب زبان‌شناسی و ادبیات، چنان که آمد، بیشتر صبغه فلسفی دارد و نالزودگی مترجم در این باره ظاهراً یکی دیگر از علل دشواری این کتاب است.

اغلب ماخذ کتاب، بجز چند مورد انگشت شمار، به زبان‌های آلمانی، فرانسوی و یونانی است. اگر خواننده علاقه‌مند بخواهد برای توضیح برخی مطالب به این ماخذ مراجعه کند، یا اصلاً به آنها دست نمی‌یابد و یا این که، به سبب ناآشنایی به زبان این ماخذ، نمی‌تواند از آنها بهره‌ای ببرد. بنابراین، شایسته بود که مترجم، با تحقیق کافی، توضیحاتی بر متن بیفزاید و فهم آن را برای خواننده فارسی زبان ساده‌تر کند. به نظر می‌رسد آنچه مترجم را از این کار باز داشته، همانا عدم تبخّر او در فلسفه است. زیرا آن جا که وی، در حیطه تخصص خود، توضیحاتی برای خواننده می‌دهد، این توضیحات را بسیار مفید، و برخلاف متن کتاب خالی از هرگونه تعقید و پیچیدگی می‌یابیم (برای نمونه، نک: زیرنویس‌های «فرازیان و ارجاع زبان»، ص ۲۲۱-۲۲۴).

کتاب متأسفانه هیچ مقدمه‌ای از مترجم ندارد. او توضیح نمی‌دهد که چرا همین ۱۲ مدخل را از لغتنامه تاریخی فلسفه برگزیده است؟ با این که زیرنویس‌ها و مطالب درون قلاب ظاهراً افزوده خود مترجم است، در هیچ‌جا به این مطلب اشاره‌ای نشده و خواننده نمی‌تواند در این باره مطمئن باشد. و این همه شاید ناشی از شتابزدگی در کار چاپ و آماده‌سازی کتاب بوده باشد. در پایان، باید گفت که ترجمه این گونه مقالات و کتابهای تخصصی، اگر درست و با مهارت کافی صورت گیرد، علاوه بر فایده علمی، بر غنای زبان فارسی هم می‌افزاید. در غیر این صورت، نه مشکلی از خواننده عام حل می‌کند، و نه اهل فن از آن استقبال می‌کنند، زیرا آنها نیز مسلماً ترجیح می‌دهند که به جای گرفتار شدن در ناهمواری‌ها و دست‌انداختن‌های ترجمه، به اصل متون مراجعه کنند.

نزدیک به یک سوم از حجم کتاب را به خود اختصاص داده است. در این مقایسه بسیار مفید مفهوم و ماهیت زبان در نزد فلاسفه، از یونان باستان تا عصر جدید، بررسی شده است. آنچه در این مقاله برای خواننده ایرانی جالب توجه می‌نماید اشاره مولفان است به آرای فارابی و ابن‌سینا و غزالی درباره زبان، و تأثیر اینها بر روی فلاسفه قرون وسطا (ص ۳۰). این مقاله، به نسبت سایر مقالات کتاب، دشواری و پیچیدگی کمتری دارد و این شاید به سبب موضوع عام آن باشد. به طور کلی، حتی خوانندگان آشنا به فلسفه و زبان‌شناسی هم ممکن است مطالب کتاب را اندکی دشوار بیابند و در فهم آنها دچار مشکل شوند. این امر علل مختلف دارد که اولین آنها بی‌گمان ایجاز مطالب است. مقالات کتاب اصلاً در قالب لغتنامه نوشته شده، و بنابراین، نویسندگان به اشاراتی مختصر بسنده کرده و خواننده را به منابع مفصل تر ارجاع داده‌اند.

علت دیگر دشواری کتاب این است که زبان فارسی، در زمینه فلسفه غرب، به هیچ وجه غنای زبان آلمانی را ندارد و طبیعی است که ترجمه لفظ به لفظ یک کتاب فلسفی از آلمانی به فارسی مترجم و خواننده را در انتقال و فهم مطالب تا حد زیادی به زحمت اندازد. تنها راه به سامان رساندن چنین ترجمه‌هایی این است که مترجم بر زبان و موضوع ترجمه تسلط کافی داشته باشد و بتواند پس از فهم دقیق مطالب، آن همه را به شکلی که مناسب و مقتضی طبیعت زبان فارسی است ترجمه کند و خود را به صرف و نحو زبان مبدأ مقید ننماید. خوانندگان علاقه‌مند به زبان‌شناسی، پیش از این، ترجمه‌های خوب و روانی در این زمینه از کورش صفوی دیده‌اند که بیگمان ناشی از مهارت کافی او در علم زبان‌شناسی بوده است. اما در زمینه فلسفه، تا آنجا که من سراغ دارم، صفوی تنها یک کتاب - دنیای سوفی - را ترجمه کرده است که البته فلسفه در آن به شکلی داستان وار و ساده مطرح شده و ترجمه آن محتاج

زبان‌شناسی و ادبیات ترجمه دوازده مقاله است که به ترتیب تحت این عناوین آورده شده:  
۱- زبان؛ ۲- زبان‌شناسی؛ ۳- لوگوس؛ ۴- فیلولوژی؛ ۵- نشانه‌شناسی؛ ۶- معنی‌شناسی؛ ۷- فرازبان و ارجاع زبان؛ ۸- واج و واج‌شناسی؛ ۹- فن شعر؛ ۱۰- فن سخنوری؛ ۱۱- شعر غنایی؛ ۱۲- استعاره. در این مقالات تاریخچه هر یک از مفاهیم و اصطلاحات مذکور و سیر تحول آنها بررسی شده است.

به رغم عنوان فارسی کتاب و عناوین مقاله‌ها، مطالب کتاب، بیشتر از آن که به زبان‌شناسی و ادبیات ارتباط داشته باشد، صبغه فلسفی دارد. چنان که در پشت جلد هم آمده، مقاله‌های کتاب ترجمه ۱۲ مدخل از لغتنامه تاریخی فلسفی (به زبان آلمانی) است، که مترجم به سلیقه خود و ظاهراً برای آن که دایره مخاطبان کتاب وسعت بیشتری یابد به آن عنوان زبان‌شناسی و ادبیات داده است. اما اغلب مطالب آن به دوره‌هایی برمی‌گردد که زبان‌شناسی، چنان که در خود کتاب آمده، «در مفهوم دانش امروزیش مورد تأیید همگان نبود» (ص ۹۸). از تمام کتاب چهار مقاله آخر را، که مجموعاً به هفتاد صفحه هم نمی‌رسد، می‌توان به ادبیات، آن هم به معنای عام کلمه، مربوط دانست. اگر نه، باید گفت در این چهار مقاله نیز کلاً با فلسفه مواجهیم نه ادبیات. گذشته از اینها، عنوان کتاب خواننده را به اشتباه می‌اندازد و او گمان می‌کند با کتابی روبروست که از ارتباط زبان‌شناسی با ادبیات سخن می‌گوید؛ اما هرچه بیشتر کتاب را می‌خواند و پیش می‌رود، بیشتر درمی‌یابد که عنوان روی جلد اسمی بی‌مسماست.

نخستین مقاله کتاب که مفصل‌ترین نیز است

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
احمد آذرباد

# زبان‌شناسی، ادبیات

زبان‌شناسی و ادبیات

ترجمه کورش صفوی

هرمس، ۱۳۷۷، چاپ اول

